

او یک مرتد است

بعدها ۳۴ سال هنوز حکم امام خمینی (۹) پابرجاست

جمعه گذشته سلمان رشدی، نویسنده کتاب «آیات شیطانی»، در حالی که برای انجام یک سخنرانی به نیویورک رفته بود مورد حمله واقع شده است.

انتشار رمان آیات شیطانی در مهر ۱۳۶۷، اعتراض های فراوانی از سوی مسلمانان، مسیحیان و یهودیان برانگیخت. این کتاب، زمانی توهین آمیز نسبت به پیامبر اعظم (ص) و قرآن بود که سلمان رشدی، نویسنده هندی الاصل بریتانیایی، آن را نوشت. امام خمینی (۹) ۲۴ سال پیش تنها چند ماه بعد از انتشار کتاب حکم ارتداد برای رشدی اعلام کردند.

مرتد به کسی می گویند که قبلا مسلمان بوده و بعد از دین اسلام برگشته باشد. به این صورت که یا خدا را انکار کرده یا نبوت و قرآن را منکر شده یا یکی از ضروریات دین را منکر شده یا حلالی را حرام یا حرامی را حلال کرده باشد. چنین شخصی از نظر اسلام، مرتد محسوب می شود. خداوند در سوره بقره آیه ۲۱۷ درباره این گونه افراد می گوید: «هر کس که از دین خود روی بگرداند، کافر شده و اعمالش ناپود می شود و اینان اهل آتش هستند.» سلمان رشدی که فردی مسلمان بود و دست از اسلام برداشت و به اسلام ایراد و اشکال غرض آلود بیان کرد. عماد از امام صادق (ع) روایت کرده که آن جناب فرمودند: (شخص مسلمان از اسلام ارتداد اختیار کرده و نبوت پیامبر اکرم (ص) را انکار نموده و بر هر کسی که این امر را بشنود خونش مباح بوده ویر امام مسلمین است که او را کشته و توبه اش را نپذیرد.) (کافی جلد ۶ ص ۱۷۴) روایات دیگری هم مانند این حدیث از سوی امامان و همچنین دیگر فقهای اهل سنت وجود دارد. بر اساس روایات وارده، حکم مرتد را قتل و اعدام می دانند و رشدی که مرتد فطری است یعنی خانواده اش مسلمان بوده و خود او نیز مسلمان بوده و بعد از اسلام دست برداشته. اگر توبه نیز نکند، توبه اش پذیرفته نیست و حکم قتل درباره او باید اجرا شود.

در زمانی اهل بیت (ع) که حافظان دین بوده اند از دین حتی به قیمت جانشان دفاع کرده اند. در زمان حال هم افرادی هستند که باید حافظان دین باشند که مراجع تقلید هستند. آن ها به عنوان کارشناسان دین در این موضوع و برای دفاع از جنگ اعتقادی که صورت گرفته وارد می شوند. پس از آن برعهده مردم است که آنچه را ایشان تشخیص داده اند به انجام برسانند. همان طور که در جبهه جنگ مایک فرمانده ای داریم و مسئولیت های مختلفی بین افراد تقسیم شده است. در این میدان هم به همین شکل است. پس جایگاه مرجع تقلید مشخص کردن حکم و وظیفه در برابر این تهاجم است و علمای ما باید نسبت به این حمله و اتفاقات حساس باشند. شاید این اشکال پیش بیاید که حکم قتل سلمان رشدی در زمانی که اسلام در رسانه های جهانی به خشونت گرای می شود، به مصلحت نباشد. در حالی که دفاع از جان، مال و دین، مسئله ای فطری است که هر موجود زنده، به طور طبیعی و حتی ناخود آگاه در برابر هر گونه تجاوز و تعدی، از خود واکنش نشان می دهد. نمی شود شخصی وارد خانه ما شود و بخواهد اموال ما را ببرد و ما برای اینکه دست به خشونت نزنیم، بایستیم و تعدی او را تماشا کنیم. عالمان و دانشمندان مذاهب اسلامی، در بحث جهاد، آن را واجب کفایی می دانند و می گویند: «هر گاه شهرها و مرزهای بلاد اسلامی، مورد هجوم دشمن قرار گیرد... بر تمام مسلمانان واجب کفایی است که از هجوم دشمن جلوگیری کرده و دشمن را دفع کنند...» بنابراین با مسئله سلمان رشدی و امثال آن، نه تنها به عنوان مرتد و توهین کننده به پیامبر، که به عنوان مهاجم به دین باید برخورد کرد و فتوای امام خمینی (۹) در این باره بسیار محکم و قاطع است.

زمینی که بوی بهشت می دهد

بین الحرمین



هر قطعه زمینی در این دنیای پنهانور، رنگ و بوی خاص خودش را دارد. هر نقطه از این خاک، یادآور خاطراتی است که گاه تلخ هستند و گاه شیرین. خاطراتی که سینه به سینه نقل و بعد از چند نسل، فراموش و در همان خاک دفن می شوند. گاهی اوقات، یک خاطره آن قدر مهم و پررنگ است که اگر چیزی حدود هزار و چهار صد سال هم از آن بگذرد، باز همان قدر واضح و دقیق در بین نفس های مردم نقل می شود. خاطراتی که برمی گردد به پاک ترین و عزیزترین انسان های تاریخ بشریت. خاطراتی که سنجاق شده اند به خاک. خاکی که سال هاست داغ دار است و برای تک تک زائرانش حرف دارد.

این خاک برای همه تاریخ حرف دارد. نهایت حق، انسانیت و مهربانی را در برابر نهایت ناچوانمردی و ظلم دیده و حق و حقیقت را آغشته در خون در آغوش کشیده است.

بین الحرمین، همان میدان جنگ کربلا در سال ۶۱ قمری است و اطراف این زمین مکان هایی قرار دارد، چون خیمه گاه، تل زینبیه و دوضریح کوچک کف العباس که محل قطع شدن دست چپ و راست حضرت ابوالفضل است. محل شهادت حضرت ابوالفضل و به عبارتی حرم ایشان، دورتر از خیام امام حسین (ع) و در نزدیکی سپاه دشمن بوده است. این قطعه از زمین، حدفاصل بین دو حرم مطهر حضرت ابوالفضل و امام حسین (ع) قرار گرفته است و طول آن ۳۷۸ متر است. این فاصله با فاصله بین دو کوه صفا و مروه در مکه برابر می کند. حدفاصل این دو حرم مطهر، در قدیم به این صورت نبوده و منازل و مغازه های بسیاری در این مسیر قرار داشته است. در زمان حکومت صدام تمام ساختمان های این مسیر تخریب شده تا آن را هموار و یکدست کنند. بعد از این اقدام، حکومت بعثی، بارها و بارها، حملات زیادی به زائران کربلا در این مکان و حرم ها کرده است و خرابی های بسیاری در آنجا به جای گذاشته بود. سرانجام پس از اتمام حکومت صدام، مکان بین الحرمین کنونی با همکاری ستاد بازسازی عتبات عالیات ایران ساخته شد و شیعیان بغداد ادعای درخت کاری آنجا را به عهده گرفتند. امروز قطعه ای از بهشت برای ما زمینی هاست...



ايشنه ۱۴ آبان ۱۳۹۴ شماره ۱۷

۱۴



معماری

گفت و گو

مرور هر سال وقایع کربلا و عاشورای حسینی در کنار بزرگداشت این قیام و ذکر مصائب اهل بیت (ع) برای آن است که بدانیم تاریخ تکرار می شود و اگر غافل شویم، به راهی می رویم که به عاشورا ختم شد. از این رو به مناسبت محرم حسینی، با حجت الاسلام و المسلمین جواد سلیمانی، عضو هیئت علمی مؤسسه امام خمینی (ع)، درباره نقش نفاق و منافقان در وقوع فاجعه کربلا گفت و گو کرده ایم که تقدیم حضورتان می شود.

ریزش ها در انقلاب های ارزشی چرا رخ می دهند و زندگی شخصی مثل شیت بن ربعی تمیمی چه الگویی ارائه می کند؟

هر انقلاب ارزشی ریزش ها و رویش هایی دارد، چنان که در صدر اسلام رویش کسانی مانند عمار، مالک اشتر و عدی بن حاتم طایی را شاهدیم که در زمان امیرالمؤمنین (ع) منشأ خیرات بسیار شدند. البته در برابر آن ها، ریزش هایی نیز وجود داشت. آن هم از افرادی که پیشینه درخشانی در حمایت از انقلاب رسول خدا (ص) داشتند. اما منافقانه رأیشان تغییر کرد. از جمله این شخصیت ها شیت بن ربعی، از رئیسان قبیله بنی تمیم بود که مسئولیت سرشماری قبیله و تقسیم هدایا و حقوق بین افراد قبیله را بر عهده داشت.

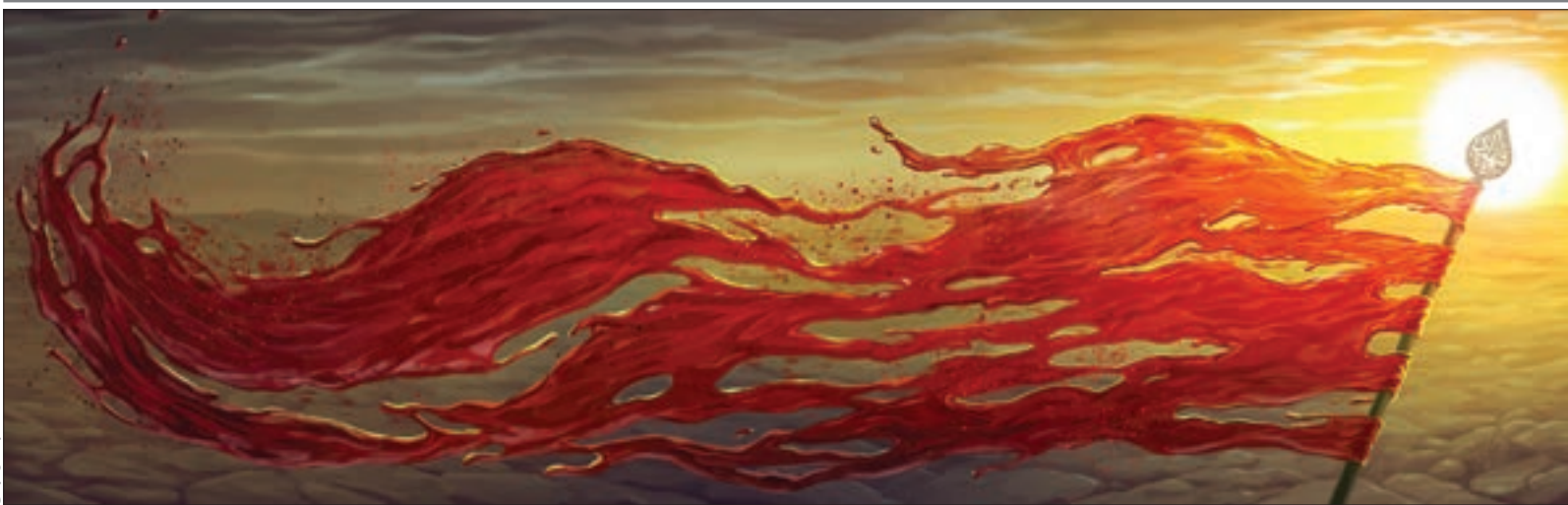
شیت در زمان رسول خدا (ص) اسلام آورد، اما پس از رحلت پیامبر (ص) و وقتی عده ای مرتد شدند، او نیز از اسلام بازگشت. شیت پس از اینکه حکومت اسلامی جنگ های مرتدان را در نطفه خفه و مدعیان نبوت را قلع و قمع کرد، دوباره اسلام آورد. در زمان خلیفه سوم، ابتدا علیه عثمان شورش

بگویند از پرستیدن کسانی که شما به جای خدای پرستید نهی شده ام.

سوره انعام / آیه ۵۶

عضو هیئت علمی مؤسسه امام خمینی (ع) در گفت و گو با شهرآرا:

جنگ امام حسین (ع) با نفاق بود



شوند. برای همین امیرالمؤمنین (ع) شیت را به فرماندهی بخشی از سپاه خود برگزیدند. در انقلاب اسلامی ما نیز چنین شخصیت هایی نفوذ کردند. اما نظام اسلامی با آن ها مدارا کرد تا مردم خود آن ها را بشناسند.

اگر بخوایم ریشه های عاشورای حسینی را بررسی کنیم، نفاق در کدام رده از انزگذاری جای می گیرد؟

در قیام عاشورا ریشه اصلی به نفاق بازمی گشت. چون جریان امویان جریان نفاق بود. آن ها می گفتند مسلمان هستیم، در حالی که در عمل خلاف دین عمل می کردند. آن ها که در کوفه خود را به ظاهر شیعه محبتی می دانستند و به امام حسین (ع) نامه نوشتند و حضرت (ع) را تنها گذاشتند و فغان کردند نیز منافق بودند. بنابراین از اساس جنگ امام حسین (ع) با نفاق بود. نه کفر فقهی. در واقعه عاشورا هم جریان امویان که اصل اسلام را قبول نداشتند و به ظاهر ادعای

مسلمانی می کردند و هم کوفیان و شیعیان محبتی که وفانکردند، زبانشان یک چیز بود و عملشان چیز دیگر و همچنین کسانی که سکوت کردند و امام مسلمین را تنها گذاشتند. منافق بودند. آیا بین قیام حسینی و تجربه انقلاب اسلامی از نظر مقابله با جریان نفاق می توان وجه شباهتی یافت؟

عصر رسول خدا (ص) عصر جدال با کفار بود و عصر امام حسین (ع) عصر مبارزه با نفاق. عصر امام خمینی (ع) نیز عصر مبارزه با کسانی بود که اسلام سیاسی را قبول نداشتند. در عصر رهبر معظم انقلاب، عده ای از آن ها گفتند حکومت اسلامی در عصر غیبت جزو اسلام است، اما سعی کردند حکومت قلابی را به جای گفتن انقلاب اسلامی عرضه کنند. امروز مبارزه با این ها بر عهده رهبر معظم انقلاب است.



مؤذن برخاست تا گفت: «...ا اکبر، امام سجاد (ع) فرمود: «چیزی بزرگ تر از خدا وجود ندارد.» مؤذن گفت: «شهدان لا اله الا الله... امام (ع) فرمود: «موی و پوست و گوشت و خونم به یکتایی خدا گواهی می دهد...» و هنگامی که به «شهدان محمد رسول...» رسید، امام (ع) از بالای منبر رو به یزید کرد و فرمود: «این محمد که نامش برده شد، آیا جدمن است و یا جد تو؟! اگر ادا کنی که جد توست پس دروغ گفتی و کافر شدی و اگر جدمن است چرا خاندان او را کشتی و آنان را زدم شمشیر گذراندی؟!...»

از این شخصیت ها در همه انقلاب های ارزشی وجود دارد، چنان که در انقلاب اسلامی ما هم وجود داشتند و عده ای در ابتدا با امام خمینی (ع) همراهی کردند، اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی، از نهضت امام (ع) و مردم جدا شدند. این موضوع نشان می دهد انقلابی شدن آسان و انقلابی ماندن سخت است و این ریزش ها طبیعی است. البته در مقایسه انقلاب اسلامی ما با انقلاب نبوی در صدر اسلام، باید گفت رویش های ما بیشتر از

ریزش هاست و امروز بصیرت مردم بیشتر است. همین باعث شده است انقلاب اسلامی با وجود همه تهدیدها، تحریم ها و مشکلات با قوت مسیرش را ادامه دهد.

نفاق که از عوامل اصلی در ریزش های ارزشی است، از کجا نشئت می گیرد و در چه جامه ای خود را نشان می دهد؟

نفاق نوعی بیماری است. منافق زبان و دلش با هم یکی نیست و در همه انقلاب های ارزشی به علت کج فهمی ها، منافع شخصی و تزلیل شخصیتی بروز و ظهور دارند. منافقان نشانه هایی دارند، از جمله آنکه قرآن می فرماید: «ان هاداعیه اصلاح دارند.» رسول خدا (ص) فرمودند: «منافق زبانی چرب دارد، اما عملش جامعه را به فساد می کشاند.» در صدر اسلام منافقان چرب زبانی مثل قیس بن اشعث و شیت بن ربعی، از دین دم می زدند. اما عملشان جامعه را به فساد می کشاند. یعنی مردم را از مسیر ترسیم شده قرآن و ولایت خارج می کردند.

آیا شخصیتی مانند شیت محصول و محصور در یک برهه از تاریخ هستند، یا امثال آن ها تکرار شده اند؟

کرد و سپس حامی امیرالمؤمنین (ع) شد و در زمان حکومت مولای متقیان (ع) ابتدا جزویاران حضرت (ع) بود و از ایشان طرف داری و احادیثشان را نقل می کرد. او پس از طولانی شدن جنگ صفین و ماجرای قرآن برنیزه کردن، به خوارچ پیوست و فرماندهی ۱۲ هزار نفر از آنان را عهده دار شد. اما در پی جنگ نهروان و قلع و قمع خوارچ توبه کرد. او در آستانه قیام عاشورا به امام حسین (ع) پیوست و در نامه ای به حضرت سیدالشهدا (ع) نوشت: «بیا بید اینجا که سپاه آماده ای برایتان وجود دارد. ما شما را یاری می کنیم.» اما او که شخصیتی رنگ به رنگ داشت، پس از اعزام مسلم به کوفه، مخالف امام حسین (ع) شد و با این زیاد برای دستگیری مسلم همکاری کرد و در نهایت در ماجرای عاشورا فرماندهی پیاده نظام عبید... را بر عهده گرفت.

هر انقلاب ارزشی ریزش ها و رویش هایی دارد چنان که در صدر اسلام رویش کسانی مانند عمار، مالک اشتر و عدی بن حاتم طایی را شاهدیم

سیدالشهدا (ع) روز عاشورا شیت را فراخواندند و متن نامه را به سه تنی که آن را امضا کرده بودند، خواندند، اما آن ها انکار کردند. امام (ع) فرمودند: «سوگند به خدا که شما چنین کردید.» جالب آنکه شیت پس از عاشورا و شهادت حضرت سیدالشهدا (ع) و یاران ایشان و شکل گیری قیام مختار، به قیام و برای انتقام از قاتلان امام (ع) پیوست و پس از آن با مصعب بن زبیر برای سرکوب مختار همراه شد. زندگی شیت نشان می دهد او در هر زمان به جانی که قدرت داشت، متمایل و با آن ها همراه می شد.

آیا شخصیتی مانند شیت محصول و محصور در یک برهه از تاریخ هستند، یا امثال آن ها تکرار شده اند؟

کتاب «مدیریت حوزه های علمیه و مراکز آموزشی» منتشر شد

دغدغه های اصلی متولیان و مسئولان این امر است. اگر مدیریت مراکز آموزشی و مدارس علمیه مورد توجه دقیق قرار نگیرد و مدیران در حیطه مسئولیت خود، با فرائند مدیریت آشنایی نداشته باشند، بازدهی و اثر بخشی لازم انجام نمی شود. نویسنده کتاب دارای تجربه اداره مراکز آموزشی

کتاب «مدیریت حوزه های علمیه و مراکز آموزشی» منتشر شد

کتاب «مدیریت حوزه های علمیه و مراکز آموزشی» اثر حجت الاسلام والمسلمین محمد حسن نبوی به همت مؤسسه بوستان کتاب منتشر شد. امروز به دلیل فراوانی و رشد مراکز آموزشی به ویژه حوزه های علمیه موضوع مدیریت مدارس علمیه و مراکز آموزشی از

برداد و بخوان

شریعه



امام سجاد (ع) و باقی اهل حرم نیز نیم دیگر ما چرا. همان طور که آن شهادت شکست نبود، این اسارت هم نبود. اسارت آغاز رساندن پیام عاشورا به گوش جهان بود. آغاز مأموریت امام سجاد (ع) و حضرت زینب (ص) برای اسلام. همه جمع بودند. یزید از فردی خواست تا به بالای منبر رود تا از فضایلش بگوید و هر صفت ناپسندی را به امیرالمؤمنین و امام حسین (ع) نسبت دهد. فرد بالا رفت و چنین کرد تا در میان حرف هایش امام سجاد (ع) به پا خاست و فرمود: «ای خطیب، وای بر تو، رضایت مخلوق



خاندان نور، همان طور که شهادتشان درس است و نقطه شروع همه انقلاب های حق علیه باطل در دنیا، اسارتشان نیز مکتب درس است. آن ها می دانستند این شهادت شکست نبوده و آغاز یک پیروزی در تاریخ است. آغاز یک جریان برای هر روز که آفتابش بعد از عاشورا طلوع می کند. شهادت امام حسین (ع) و اصحابشان، نیمی از آغاز جریان بزرگ زنده کردن یاد و نام دین خدا، آزادی و آزادگی بود و اسارت حضرت زینب (ص)،